

# ورود بشهر ممنوع

## تاریخچه نفوذ انگلستان در تبت

تبت که در شمال بلندترین کوه عالم یعنی هیمالیا واقع شده یکی از نقاطی است که با سایر ممالک چندان مرابطه و ارتباط ندارد و اهالی همان رسوم و عادات قدیم خود را با يك ایمن و علاقه مخصوصی حفظ می نمایند .

اگر به نقشه آسیا نظر افکنیم چنین بنظر می آید که بین هندوستان و تبت از لحاظ جغرافیائی و سرحدی هیچ نوع تماس و رابطه ای وجود ندارد ولی برخلاف انتظار در سال ۱۹۰۳ بعضی اشکالات سرحدی بین این دو دولت بروز نمود .

دولت هندوستان برای حل این اشکالات چنین صلاح دید که يك هیئت برای بررسی اوضاع جغرافیائی وارضی به تبت اعزام دارد هیئت مزبور موظف بود که ماموریت خود را با کمال آرامی و دوستی کامل انجام دهد .

کلنل پانک هز بنده از طرف دولت هندوستان بریاست هیئت مزبور منصوب گردید مشارالیه اگر چه دارای تجارب عتیده و مردی کاردان و فعال بود ولی بزبان و اعتیادات و اخلاق اهالی تبت آشنائی کامل نداشت از این لحاظ سرفردريك اکنر را بسمت مترجمی و راه نمائی خود برگماشت .

سرفردريك شخصی بود که به تبت علاقه خاصی داشت و سالهای متعددی در آن ناحیه بسر برده با اوضاع جغرافیائی و زبان و روحیات آن سامان آشنائی کامل پیدا کرده بود خصوصا در شمال تبت مسافرتهای زیادی نموده بود و حتی قسمت هایی را که خود اهالی از آن بی اطلاع بودند کشف کرده و به قلل کوههای واقع در شمال دارجیلنگ که بسیار صعب العبور و دارای یرنگاهای بی شمار بود رفته و از آن قسمتها عکسها و نقشه هایی برداشته بود .

سرفردريك این دعوت را با کمال میل پذیرفته و حاضر شد که حتی المقدور بهیئت کمک ها و راهنمائی های لازم را کند .

در آغاز سال ۱۹۰۳ هیئت مزبور بدون تسلیحات کافی عازم این سرزمین گردید و امید داشت که بمسالت و آرامی بتواند ماموریت خود را انجام دهد و بارؤسا و بزرگان تبت از در دوستی و بگانگی در آمده و ماموریت خود را بدون ریختن خون انجام دهد و چونکه در این راه کامیابی حاصل نشد هیئت مصمم گردید که به قوای خود بیفزاید و با تسلیحات و قشون کافی داخل تبت گردد .

پس در دسامبر همان سال هیئت با قوای کافی از یکی از معابر هیمالیا که شانزده هزار پا ارتفاع داشت داخل فلات تبت گردید. در موقع عبور از این معبر بواسطهٔ بیش آمدن زمستان سرمای شدید هیمالیا که به تفاوت ۲۰ و ۳۰ درجه زیر صفر میرسید هیئت صدمات زیاد دید. چونکه اهالی تبت از آمدن این هیئت باخبر شده وعده‌ای را بجای گیری آنها فرستاده بودند که هنگام سرازیر شدن از هیمالیا از ورود آنها جلوگیری نمایند.

مقاومت با این دستهٔ تبتی در این هنگام ممکن بود خسارت زیادی بهیئت وارد آورد. کانل یانگک هزینه واقعه را با خونسردی کامل نقلی کرد و با دو نفر از اعضای هیئت یعنی سر فردریک که در فوق باو اشاره نمودیم و یکی از افسران نظامی عازم شدند که میان تبتیها رفته و دوستانه با آنها صحبت کنند.

قشون تبتی از دیدن این سه نفر که با کمال شجاعت و دلیری و با اطمینان کامل بدون هیچ اسلحه بطرف آنها می آمدند مبهوت شدند و بین ایشان همه و مذاکرات زیادی شد و برخلاف انتظار این سه نفر را با کمال احترام و مهربانی پذیرفتند و آنها را به یک خیمه بزرگ و مجللی که جایگاه سه نفر از رؤسای روحانی بزرگ لهاسا بود راهنمایی کردند.

در این خیمه سه نفر از رؤسای هیئت و سه نفر از زرگان روحانی لهاسا مشغول صحبت و گفتگو شدند. کانل با کمال صراحت و سادگی مقصود خود را بیان کرد و اظهار داشت که ما نسبت باین ناحیه و اهالی آن هیچ سوء قصدی نداریم و فقط برای کسب اطلاعات جغرافیائی و محلی باین نقطه آمده‌ایم. بزرگان روحانی هیچ قسم آزاری که حاکی از رضایت باشد از خود نشان ندادند بلکه رفته رفته برخشم و غضب ایشان افزود، به قسمی که کانل و همراهانش متوحش شدند که مبادا در وسط این جمع مسلح خون آنها ریخته شود. روحانیون اظهار میداشتند که تبت جایگاهی است که خدای بزرگ آنرا فقط برای عدهٔ مخصوصی آفریده و سایرین حق ندارند که به آن ناحیه قدم بگذارند، چون کانل و رفقایش احساس کردند که شاید موضوع رفته رفته غامض تر شود و بزبان ایشان انجامد صلاح دیدند که بدون کسب نتیجه ایشان را ترک گفته و به اردوگاه خود مراجعت نمایند.

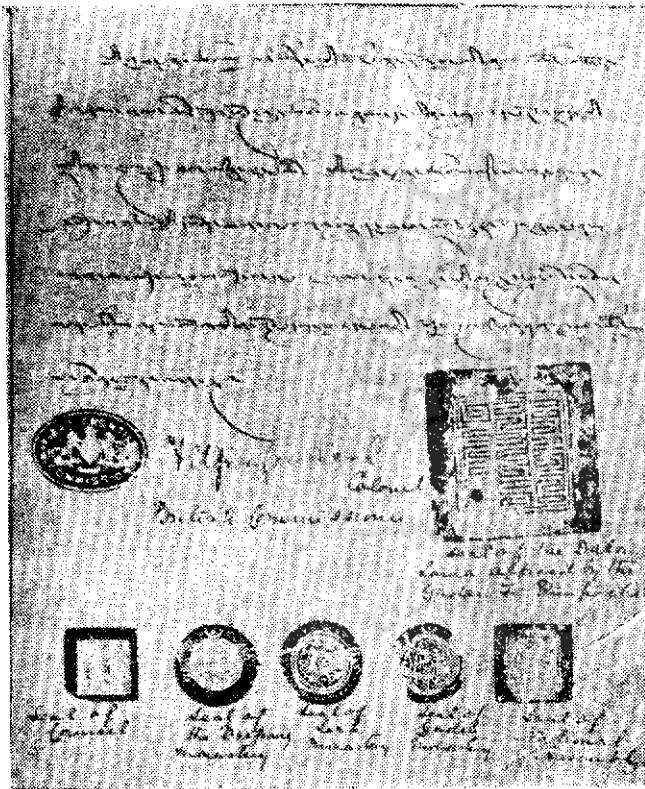
خوشبختانه سیاهیان تبتی هم پس از این گفتگو دیگر حاضر نشد زد و خوردی کند و بمحل خود بازگشت.

در بهار ۱۹۰۴ هیئت پس از برابری با عده ای تبتی و زد و خورد های جزئی موفق گردید خود را بنقطهٔ موسوم به گیانتاس واقع در شمال تبت برساند. در این نقطه هیئت توقف نمود و در نظر داشت که عده‌ای را نزد دلانی لاما رئیس بزرگ بودائیان فرستاده و با مسالمت نظریات خود را انجام دهد ولی شقید یک عده سیاه از لهاسا درصدد حملهٔ بهیئت است پس خود را مجهز نمود که جاو رفته با قشون مزبور برابری نماید. در قلعهٔ کوه سفید فریقین تلافی نمودند و جنگی سخت واقع شد و از طرفین عدهٔ تلفات دادند ولی چونکه هیئت تسلیحاتش قویتر بود سیاه تبتی رو بفرار گذاشت.

پس از این فتح پیشرفت های متوالی و مهمی نصیب هیئت شد و چندین قلعه محکم را گشودند. پس از آن هیئت عزیمت نمود که مستقیماً بطرف پایتخت یعنی شهر تاریخی و مقدس لاهسا رهسپار شود.

از جمله ای که هیئت مسکن داشت تالهاسا یکصد و پنجاه میل انگلیسی مسافت بود. در عرض راه کوههای نسبتاً مرتفع و دره های متعددی وجود داشت و از رودخانه عربض براهماپوترا که در قسمتی از فلات تبت میگذرد گذشته و در سوم اوت بنزدیکی این شهر مقدس رسیدند. چیزی که از دور نمایان بود و دیدگان اعضای هیئت را بطرف خود مجذوب نمود

مناره های قصر با شکوه و مجلل پالتا مقر دالائی لاما رئیس بزرگ روحانی تبت بود. این قصر یکی از باشکوه ترین عمارات جهان و نمونه کاملی از ظرافت و معماری دنیای قدیم و پاره ای از قسمت های آن پوشیده از طلای خالص است. هیئت با آسانی وارد شهر لاهسا شد و پس از رسیدن بشهر و تفحص و جستجو معلوم شد که دالائی لاما شبانه از قصر خود فرار کرده و در یکی از نواحی آسیای مرکزی پنهان شده. هیئت نیز از تعقیب وی صرف نظر کرد.



### صورت نامه انگلستان با دالائی لاما

دالائی لاما یکی از رؤسای بزرگ دینی را موقناً بنیابت خود گماشته و باو اختیار نام داده بود که بر حسب صلاحدید خود امور را انجام دهد و با دولت هندوستان داخل مذاکره شده کار را اصلاح کند. نایب دالائی لاما که شخصی عالم و تحصیل کرده و فیلسوف

منش و مؤدب بود با کمال احترام و افتادگی نمایندگان هیئت را پذیرفت و چون این روح در طرفین پیدا شد روزنامه‌امیدی کشوده گشت که امور سلامت و صلاح انجام پذیرد. هیئت مصمم شد که هرچه زودتر مذاکرات را بیابان رساند و قبل از در رسیدن زمستان و هوای سرد و شدید تبت به هندوستان بازگردد.

چندروز متوالیا طرفین مشغول مذاکرات بودند و هرروز به نتیجه نزدیکتر میشدند. قرار داد را سه زبان انگلیسی، تبتی، چینی نگاشتند و درروز هفتم سیتامبر را مقرر شد که نمایندگان طرفین و همچنین نماینده دولت چین حضور بهم رسانیده قرار داد باامضا رسد.

روز هفتم سیتامبر در رسید. در یکی از تالارهای قصر پالتا نمایندگان حضور بهم رسانیدند و همچنین نمایندگان دولتین نیال و بوتان نیز شرکت جستند. امضای قرارداد با تشریفات خاصی بعمل آمد. اولاً قرارداد بزبان انگلیسی، تبتی، چینی قرائت گردید. سپس کلنل بانگ هز بند بنما بندگی دولت انگلیس و نایب دالائی لاما قرارداد را مهر و امضا نمودند و بلااده بهمهر کابینه و مهر مجلس ملی و سه مهر از طرف سه مرکز دینی تبت نیز مهور گردید. رو بهمرفته قرارداد دارای هفت مهر بود یکی از طرف دولت انگلستان و شش مهر از طرف تبت.

هیئت پس از دو روز توقف از اهالی تبت و نمایندگان آن سرزمین جدا شده بطرف هندوستان رهسپار گردید. نایب دالائی لاما با حالتی که لباسهای مخصوص مذهبی خود ملبس بود سوار قاطر گردید و از هیئت مشایعت نمود و در هنگام جدا شدن و خدا حافظی بهریك يك مجسمه كوچك بودا اهداء كرد.

پس دیدیم که هیئت چگونه با توفیق کامل ماهوریت خود را انجام داد و شاید تا اندازهٔ بیش از آنکه تصور میرفت موفق بکشف و بدست آوردن اطلاعات مفید و سودمند گردید. خصوصاً در اخلاق و روحیات اهالی تفتیش ها و تحقیقات سود مندی نموده که ذیلاً بشرح پارهٔ از آن اطلاعات می‌پردازیم.

اهالی تبت مردمان خوش طینت و پس از آشنائی با اشخاص سالم و صالح جو می‌باشند شیفتهٔ آواز خوش و موسیقی‌های مخصوص خود هستند. لباس آنها نوع مخصوصی است. از رنگهای گرفته و نار متنفرند و بلکه غالباً لباسهایی را انتخاب مینمایند که رنگی باز و زننده داشته باشد زن‌ها جواهر و آلات تزئین زیاد استعمال می‌کنند و در جامعهٔ تبتی‌زنها يك عامل مهم وقوی بشمار می‌آیند. در مشاغل و کارها شرکت دارند. تعدد شوهران ممنوع نیست و يك زن مجاز است در آن واحد دارای چند شوهر باشد و با هر يك آمد و رفت و رابطهٔ زناشویی داشته باشد.

تبت جلوه‌گاه و مرکز مذهب بودائی است. نفوذ این مذهب در قلوب اهالی این خطه بسیار زیاد است و در سراسر این قسمت مهابد و دیرهای بزرگ و بی‌شماری دیده میشود که در بعضی از آنها بیش از هفت یا هشت هزار راهب زندگانی میکنند. اهالی به تناسخ روح قائلند و نفوذ این عقیده در فکر و عملیات و روحیات و معاشرت آنها با یکدیگر تأثیرات زیاد دارد و همچنین معتقدند که نفوس پاك و کامل این جهان تجسم و مظهر بودا هستند.

مخصوصاً دو نفر در تبت هستند که آنها مظهر کامل بودا و خدای مجسم این جهان محسوب میشوند. این دو نفر يك جنبهٔ تقدس والوهیت مخصوص بخود گرفته‌اند و مردم آنها را پرستش میکنند و اسم آنها ورد زبانهای اهالی است، یکی دالاتی لاماست که مقر وی شهر مقدس لاسا است و دیگری تشی لاما که مقر وی شهر شیکاتزه است .

علاوه بر این دو نفر بودا مظاهر دیگری هم در تبت دارد که هر يك از آنها مقدس و پاك است ولی این دو نفر بواسطهٔ حلول روح مقدس و تناسخ پاك و مبرا و مظهر کامل و تجسم حقیقی بودا هستند

چندی بعد از این واقعه دولت هندوستان تاشی لاما را دعوت کرد که هندوستان رود و امکنهٔ مقدسهٔ هندوستان را ببیند. آمدن تاشی لاما به هندوستان تولید يك هیجان و هالهٔ غربی نمود و اشخاص زیاد برای دیدن تاشی لاما بیرون آمدند و خود را پیش او به خاک می‌انداختند و کوشش میکردند که سایهٔ تاشی لاما از روی آنها بگذرد تا بتوانند ردای او را لمس نمایند و سرشک بر گونه‌های همه جاری بود .

خلاصه این دو مظهر بودا تاثیرات زیادی در روحیات اهالی تبت دارد .

Shigatse

Uashi Lama — ۱

## جواب پرسش فکری شماره ۹

### دزد کیست؟

از علامت رنگی که در دستکش دیده میشود معلومست که انگشتهای دزد بانتهای انگشتهای دستکش نمیرسیده است . چون ثابت است که دستکشها درست باندازهٔ دست فریدون و داود است پس سرقت کار آندو نیست و این دست کوچک البته از خانم س . . . است که خواسته است پول امانتی را تصرف کند و بیچاره فریدون را مقصر قلم دهد .